

# پراکندگی جغرافیایی لهجه‌های زبان کردی \*

نویسنده: فواد حمه خورشید

مترجمان: محمدشرف بیانی<sup>(۱)</sup> - پیام ذکری<sup>(۲)</sup>

درآمد:

مقاله حاضر که از زبان عربی برگردانده شده به منظور معرفی لهجه‌های زبان کردی و بررسی آرا و نظریات مختلف در باب آن زبان تقدیم خوانندگان فرهیخته مجله «فرهنگ کردستان» می‌شود. همان‌گونه که اهل تحقیق به خوبی می‌دانند در مورد لهجه‌های زبان کردی آراء و نظریات گوناگونی وجود دارد تا حدی که برخی از زبان‌شناسان اعتقاد

\*- این مقاله برگردانی است از مقاله عربی فواد حمه خورشید با نام التوزین

۱- کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب

۲- کارشناس ارشد زبان و فرهنگ ایرانی

دارند که فقط زبان موسوم به سورانی، کردی است و سایر لهجه‌ها مثل گورانی زازا، اورامی و... کردی نیستند. برخی دیگر، مثل مؤلف مقاله حاضر اعتقاد دارد که بسیاری از لهجه‌های رایج در منطقه کردستان ایران، لرستان، کردستان عراق و ترکیه که به نام کردی شهرت یافته‌اند، همه کردی هستند. تعیین این که کدام زبان کردی است و کدام نیست البته کار ساده‌ای نیست اما، نویسنده این مقاله سعی دارد با استناداتی از قبیل نقل قول مستشرقان و ترسیم برخی نمودارها و اخذ آن از کتب زبان‌شناسی لهجه‌های معرفی شده مقاله را کردی معرفی کند.

- نویسنده این مقاله همچنین سعی دارد که زبان کردی را زبانی مستقل و دارای هویتی جداگانه بشناساند «چون از قدیم تا امروز در میان کوه‌های کردستان پاکیزه و سالم می‌زید.» باید در نظر داشته باشیم زبان نیز مثل انسان دارای حیات است و عطاء فراوانی در طول زندگی خود دارد. زبان چه در بعد خارجی و چه در بعد داخلی دچار تغییراتی می‌شود و نباید تغییرات یک زبان را نشانه افت و آلودگی آن دانست. کشف ارتباطها و دستگاه‌های یک زبان یک بحث کاملاً تخصصی است و نمی‌تواند با نشان دادن چند واژه دخیل عرصه را بر خود و همگان تنگ کرد. زبان کردی در نهایت، یک زبان است اما نه بنا بر آن دلایلی که حمه خورشید بدان استناد می‌کند.

زبان‌شناسان هیچگاه بنا بر تشابهات ظاهری نسبت به خویشاوندی و یا قرابت زبان‌ها حکم نمی‌کنند. مثلاً کلمه "بد" در زبان فارسی و انگلیسی در لفظ و معنی هیچ تفاوتی با هم ندارند اما حقیقت آنست که این تشابه اتفاقی است و هر دو کلمه از دو ریشه متفاوت آمده و هیچ

ارتباطی با هم ندارند (خانلری، زبان و زبان‌شناسی، ۱۳۷۳، ص ۵۵)  
 همچنین تذکر می‌دهیم این مقاله برای خوانندگان عرب زبان نوشته  
 شده که شاید به همین دلیل باشد نویسنده آن خواسته است ابتدا بحث  
 خود را با معرفی و آشنایی دادن خوانندگان با زبان های هندو اروپایی  
 شروع کند و پیایی و در جاهای مختلف مقاله بر مستقل بودن زبان  
 کردی تأکید کند که شاید همین تکرارها برای خواننده ایرانی کمی ملال  
 آور باشد.

و در پایان نیز، مسود این سطور اعتقاد دارد که ادبا و زبان‌شناسان  
 لازم است برای تهیه نقشه و اطلس جامع زبان کردی اقدام نمایند. این  
 مقاله در حد توان خود می‌تواند جزئی از این خلأ عظیم را پرکند.  
 همچنین این مقاله اگر چه غث و ثمین آن کم نیست لیکن از آنجایی که  
 مترجمان هدفشان چیزی جز «انجام رسالت مترجم نیست» نقد تمامی  
 آن را به خوانندگان ارجمند و اگذار می‌کنند.

پژوهشگر به هنگام مطالعه در باب ریشه زبان کردی و لهجه‌های آن با نظریات  
 جهانگردان و نویسندگانی برخورد می‌کند که در مورد ریشه این زبان و دگرگونی‌های  
 تاریخی آن و نیز رابطه‌ی این زبان با زبان‌های مجاورش بیان شده است؛ و به نظر  
 می‌رسد که هیچ‌کدام از آن نظریات اساس و پایه منطقی ندارد. چرا که اظهار نظر در  
 مورد شخصیت مستقل هر زبان نیازمند مطالعات فراوان، پژوهش‌ها و تطبیق‌های  
 دقیق به منظور ارجاع به ریشه‌های تاریخی و قدیمی است. بسنده کردن به برخی  
 مشابهت‌های واژگانی یک زبان با زبان مجاورش به منظور این که زبان لهجه‌ای است

از زبان مجاور یا گویشی\* از آن زبان است امریست که در آن مبالغه بسیار صورت گرفته و احتیاج به برهان علمی دارد. بر این اساس، زبان کردی آن‌چنان که برخی از جهانگردان و نویسندگان غیر مطلع گفته‌اند، لهجه‌ای آشفته و تحریف شده از فارسی نیست، یا این که یک لهجه از لهجه‌های عمومی فارسی، که هیچ قاعده و ضابطه‌ای ندارد، به حساب نمی‌آید؛<sup>(۱)</sup> یا این که زبانی از اصل هندی<sup>(۲)</sup> نیست آن گونه که مطالعات جدید اثبات کرده همه این نظریات از واقعیت بسیار به دور است<sup>(۳)</sup> درست است که زبان کردی و فارسی نو و پهلوی از نظر ظاهری اختلافات و تحولات با زبان اوستایی پیوند دارند، ولی در عین حال باید گفت که زبان کردی به عنوان یک زبان مستقل، شخصیت ویژه خود را

\* - الجغرافیایی لللهجات اللغه الكردیه مندرج در در گو قارت زانایانی کورد ۱۹۷۵

الفرع

به عنوان نمونه بنگرید به :

Layard, Austen H., Discoveries among the Ruins of Nineveh and Babylon, with Travels in Armenia, Kurdistan And the Desert, New York, 1853, P. 374 .

2 - G.R., studies in Kurdish History, B.s.o.s., 1222 Vol 11, part 111, river P. 493

3 - Creagh, James, Armenians, Koords a Turks, hondon 1880, P. 170

4 - Soane E.B, Notes on the phonology of southern kurdish, J.A.R.S 1992 , part 11 . p. 192

دارد. (۱)

عاملی که نویسندگان و جهانگردان را بر آن داشته تا به این اعتقاد یعنی نسبت داشتن زبان کردی با فارسی، به نحوی که در پایین خواهد آمد، دامن بزنند کمبود آثار ادبی به زبان کردی است؛ به ویژه کمبود این آثار در قرن نوزدهم و بیستم که محققان به آن نیازمند بودند تا مطالعات و تطبیق‌های خود را در این زمینه اجرا نمایند و از سوی دیگر فراوانی لهجه‌های کردی خود عاملی برای بیان نظریات نادرست در مورد اصل و ریشه زبان کردی بوده است. این دو عامل گاهی اوقات باعث بروز مشکلات بزرگی برای غیر کرد زبانانی که می‌خواهند در مورد این زبان ژرف اندیشی کنند، می‌شود؛ (۲) و به تبع آن باعث می‌شود تا نظریه‌ای غیر دقیق در مورد ریشه زبان کردی بیان گردد.

بیش تر مستشرقین امروزه بر این باورند که زبان کردی به عنوان یک لهجه با زبان فارسی مرتبط نیست، بلکه زبانی است که ویژگی‌های مستقل خود را دارد، ژوستی و سوسیسن از جمله این مستشرقانند. (۳)

ژوستی تأکید دارد زبان کردی یک لهجه مرتبط با زبان فارسی نیست که انحطاط

1 - Edmonds .C.J. , The Place of the Kurds in middle Eastern scene, R.C.A.J, Aprill, 1958, Vol XIV, Part11 , P. 147

2 - Noel Edward, The Character of the Kurds as illustrated by their and proverbs popular saying, B.S.O.S., vol.1 part iv, 1920, P.79

۳- به مؤلفان این دو دانشمند به زبان آلمانی، به شرح زیر، بنگرید :

- Justi, F., Kurdische Grammatik, SPB, 1880

- Socin, A., Die Sprache der Kurden. in Grundriss der Iranischen Philologie, 1-2., Strassburg, 1898-1901

بر آن چیره شده باشد بلکه از نظر ساختار آوایی و اشتقاقی، اختلاف زیادی با زبان فارسی دارد.

سوسیسن نیز می‌گوید زبان کردی هیچ خویشاوندی با زبان پهلوی و فارسی نو ندارد و رابطه‌ی زبان کردی با آن دو بسیار دور است. علاوه بر این، سوسیسن می‌گوید زبان کردی از زبان فارسی باستان نیز متفرع نیست.

این درست است که زبان کردی رابطه بسیار نزدیکی با زبان فارسی ندارد، به این اعتبار که هر دو از مجموعه وسیع هند و اروپایی هستند، اما این دو زبان با هم اختلاف دارند. چه در واژگان چه در صرف و نحو و چه در نطق<sup>(۱)</sup> زبان کردی آن‌گونه که سیدنی اسمیت تأکید دارد زبانی کاملاً مستقل است که دگرگونی‌ها و تحولات تاریخی خود را دارد<sup>(۲)</sup> این زبان یک زبان آریایی ویژه است که از قدیم تا امروز در میان کوه‌های کردستان پاکیزه و سالم می‌زید<sup>(۳)</sup>.

برای این که با معنی اصطلاحی مجموعه زبان‌های هند و اروپایی و میزان رابطه‌ی زبان کردی با این زبان‌ها آشنا شویم خوب است تا از برخی از وقایع تاریخی سخن برانیم.

باستان‌شناسان ویژگی مشترکی را در مورد تمدن قدیم بشر که بعد از عصر نوسنگی در مساحت بسیار وسیعی از سرزمین‌های جهان باستان مانند: روم، جنوب روسیه، شوش، بلوچستان، هند و ترکمنستان گسترده شده بود، یافته‌اند. در نتیجه دانشمندان به این نکته رسیده‌اند که به طور قطع این تمدن‌های مشابه، ساخته یک قوم

1 - Edmonds, C.j., Kurds, Turks and Arabs, London, 1957, P.7

۲ - زکی، محمد امین، خلاصه تاریخ الکرد و کردستان، بغداد، ۱۹۶۱، ص. ۵۶ و ۳۰۵

3 - Soane, E.B., Report on the sulaimani District of Kurdistan, Calcutta, 1918, P.85.

بوده است، و با نظر به گستردگی نشانه‌های این تمدن از هند تا اروپا، تمدن هند و اروپایی نام گرفت<sup>(۱)</sup>.

تمدن هند و اروپایی از قبیله‌های متعددی تشکیل شده بود که در زیستگاه باستانی‌شان در شرق و شمال شرق دریای خزر، زندگی می‌کردند<sup>(۲)</sup>؛ و از آنجایی که همه آن قبایل یک قوم واحد بودند تقریباً با یک زبان واحد نیز گفتگو می‌کردند که همچنانکه قبلاً گفتیم اصطلاح هند و اروپایی بر خود گرفته است<sup>(۳)</sup> امروزه تمدن زبان‌هایی که اقوام آریایی با آن سخن می‌گویند از زبان هند و اروپایی مشتق شده است زبان‌هایی چون سنسکریت، یونانی، ایتالیایی، کلتی، کردی، تیوتونی (ژرمنی باستان) فارسی، مجموعه زبان‌های اسلاوی، هندی، زبان‌های قفقازی، پشتو و

1 - Charpentier, Jarl., The original Home of Indo-Europeans, B.S.O.S., vol. IV, 1926-28, P. 149.

۲ - براسته، جیمس هنری، تاریخ العصور القديمه، ترجمه داود قربان، بیروت، ۱۹۲۶. ص. ۱۳۵

Charpentier, Jarl, OP. cit, P. 164

۳- کلمه آریا به اشتباه براسلاف و فرزندان هند و اروپاییان اطلاق شده است. حقیقت امر آن است که کلمه آریا از یک اسم یونانی مشتق شده و آن بر بلندی‌های ایران - از کوه‌های زاگرس تا رود سند - نام نهاده شده بود. همانجایی که به نام آریانا مشهور شده بود. کلمه ایران نیز از آن بدست آمده است. در این باره بنگرید به جیمس هنری، مرجع پیشین. ص ۱۳۵.

مترجمان خاطر نشان می‌سازند که اظهار نظر مؤلف در خصوص این که نباید به همه اقوام هند و اروپایی، آریایی گفت درست است اما، خود کلمه "آریا" از یونانی مشتق نشده و اصلاً یک واژه هندی و ایرانی است.

پامیری بر مجموع این زبان‌ها عنوان مجموعه هند و اروپایی اطلاق گردیده است<sup>(۱)</sup>. وقتی هجرت اقوام هند و اروپایی شروع شد هر مجموعه‌ای از این اقوام به سوی منطقه‌ای از جهان باستان به ویژه به آسیا و اروپا کوچیدند. بخشی از آنان از راه رودخانه دانوب به شبه جزیره بالکان و شرق اروپا رفتند. اینان نیاکان یونانیان و رومیانی هستند که امروزه با یکی از زبان‌های اروپایی سخن می‌گویند. در همین هنگام بخش دیگری از آن اقوام به طرف جنوب شرقی، به مرزهای هند، رسیدند و در سند و پنجاب سکنی گزیدند. اینان ساکنان جنوب آسیا هستند و امروزه با زبان‌های هندی که از مجموعه زبان‌های هند و اروپایی است، سخن می‌گویند.

بخش سوم به سوی آسیای صغیر و کوه‌های زاگرس سرازیر شدند و در ایران و کردستان پراکنده شدند پیشگامان مهاجرت به زاگرس، گوتی‌ها بودند و بعد از آن مادها همان کسانی که نیاکان کردان امروزی هستند، آمدند.<sup>(۲)</sup> <sup>(۳)</sup> همچنین پارت‌ها به شمال ایران رفتند و فارس‌ها به جنوب، همان‌جایی که امروزه در آن اقلیم فارس نام دارد، رفتند. همه ایرانیان با مجموعه‌ای از زبان‌های نزدیک به هم سخن می‌گفتند که برخی ویژگی این زبان‌ها شبیه به هم بود به این زبان‌ها، بر همین اساس مجموعه زبان‌های ایرانی اطلاق شده است. پس، زبان‌های هند و اروپایی، به یک تعبیر به سه

۱- اولین بار فرانتس بوب آلمانی مشترکان اسامی هند و اروپایی را کشف کرد. بنگرید به :

Charpentier, Jarl, op.cit., P. 149

۲- درباره مهاجرت مادها به کوه‌های زاگرس بنگرید به :

Young, T. Cyter, The Iranian Migration in to Zagros, vol.V. 1967, 12-17

15 - Edmonds. C. j, op.cit, P.7



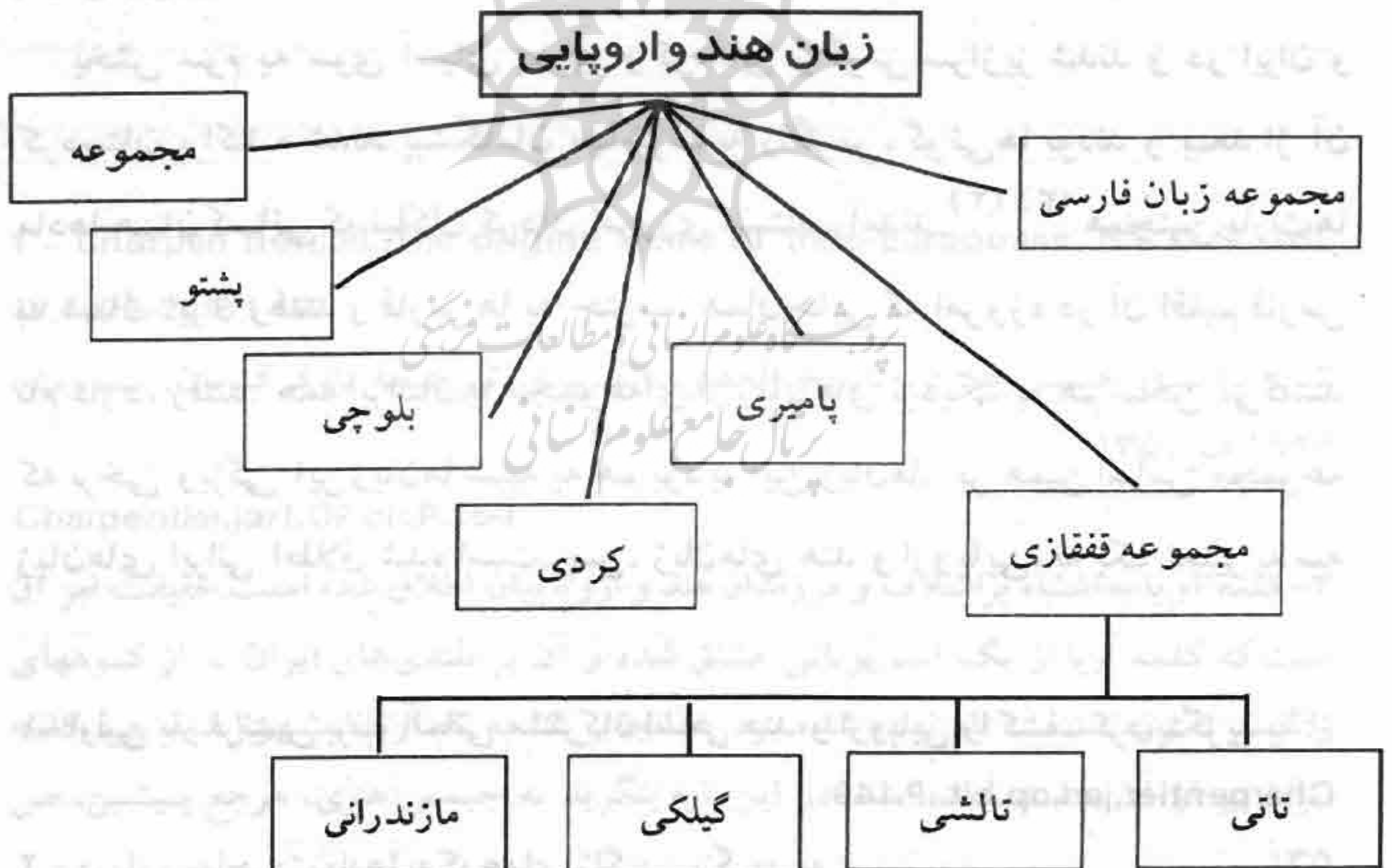
دسته تقسیم می شود.

۱ - مجموعه زبان های اروپایی

۲ - مجموعه زبان های هندی

۳ - مجموعه زبان های ایرانی

چون مقداری نزدیکی میان مجموعه زبان های هندی و مجموعه زبان های ایرانی دیده شده است بر آن نام مجموعه هند و ایرانی اطلاق شده است. اعتقاد بر این است ریشه ای که مجموعه زبان های هندی و ایرانی که این زبان ها از آن منشعب شده است مطابق نمودار زیر می باشد. (۱)



در این نمودار که مستشرق بریتانیایی، درایور، آنرا برای مجموعه زبان‌های هندی و ایرانی ترسیم کرده است زبان کردی زبانی مستقل است و لهجه‌ای محلی و مشتق از فارسی نیست. این نمودار به روشنی بیان می‌کند رابطه‌ی میان زبان کردی و فارسی براساس انشعاب از زبان هند و ایرانی کهن می‌باشد و همچنین این نتیجه به دست می‌آید که هر کدام از این دو زبان تطورات مستقلی داشته‌اند.<sup>(۱)</sup>

مجموعه زبان‌های ایرانی که زبان‌های کردی و فارسی به آن منتسب است به سه شعبه اصلی تقسیم می‌گردد:

۱ - مجموعه زبان‌های ایرانی شمال غربی

۲ - مجموعه زبان‌های ایرانی جنوب غربی

۳ - مجموعه زبان‌های ایرانی شرقی

زبان کردی به مجموعه نخست منسوب است. در حالی که زبان فارسی ب مجموعه‌ی دوم انتساب دارد. این نیز دلیل دیگری بر استقلال هر کدام از این دو زبان است.<sup>(۲)</sup>

از آنچه که گذشت برای ما روشن می‌شود زبان کردی زبان مستقلی است و یکی از زبان‌های گروه شمال غرب ایران می‌باشد. این گروه شمال غربی نیز یکی از مجموعه زبان‌های ایرانی است که به نوبه خود یک شاخه بزرگ از زبان‌های هندی - ایرانی

17 - Soane, E. B., Grammar of kurmanji of kurdish Language

Londond-1913, P. iii

18 - Edmonds, C. j. The Palace of the kurds in the middle Eastern

scene, op. cit, P. 147-18

همچنین:

K urds, Turks. Arabs, op. tcit, P. 7

می‌باشد و رابطه بسیار مستحکم و نیرومندی با مجموعه زبان‌های اروپایی دارد؛ یعنی همان زبان‌ها و مجموعه‌های زبانی که در زیر مجموعه زبان‌های هندی و اروپایی قرار دارد.

### لهجه‌های زبان کردی :

همان‌گونه که برخی از جهانگردان و نویسندگان در مورد اصل زبان کردی و رابطه آن با زبان فارسی دچار اشتباه شده‌اند برخی دیگر از آنان نیز در مورد مشخص کردن هویت و تعداد لهجه‌های این زبان و پیوند و رابطه آن‌ها دچار اشتباه شده‌اند. این مسئله باعث اختلاف دیدگاه‌ها در تقسیم لهجه‌های کردی شده است.

اختلاف در این زمینه بر سر دو لهجه‌ی اصلی کردی صورت گرفته است و آن عبارتست از لری و گورانی. بعضی از نویسندگان این دو لهجه را جزو زبان کردی به شمار نمی‌آورند، بلکه معتقدند که جزو زبان فارسی می‌باشند<sup>(۱)</sup> این اظهار نظرها در مورد این دو لهجه براساس اغراض سیاسی مبتنی است. شگفت آن که برخی از نویسندگان کرد نیز راهی را رفته‌اند که آن نویسندگان پیشین رفته بودند.<sup>(۲)</sup>

۱۹ - به عنوان نمونه بنگرید به :

Minorsky, V., The Guran, B.S.O.S., 1943, Vol. XL, Part-1 P. 75

Edmonds, C.j., Luristan, Geog-jour, 1922, Vol. Lix, No. 5. P. 340

Soane, E.B. short Anthrology of Guran Poetry, j.R.A.S, 1921, Part 1, P. 59

۲۰ - فواد کمال. زاره‌وه کانی زمانی کوردی و زمانی نه‌ده‌بی و نووسینیان، مجله زانیاری،

العدد ۴، ۱۹۷۱ ص ۱۶ - ۲۴

Wahby, Taufiq and C.j., Edmonds. A Kurdish-English

Dictionary, Oxford, 1966, P. V

در مورد لهجه‌ی لری قبل از هر چیز، شرفنامه نوشته شده به سال ۱۵۹۶، بر کردی بودن آن تأکید کرده است. یعنی قبل از آن که اساساً بحث قومیت‌گرایی به هر شکل و در هر جا مطرح شده باشد و یا اندیشه‌های ناسیونالیستی به وجود آمده باشد. این مسئله بیان می‌کند که شرفنامه به دلیلی تقسیم‌بندی درستی در مورد لهجه‌های زبان کردی بازگو کرده است. (۱) مستشرق روسی، بازیل نیکتین (۲) و دکتر عزالدین مصطفی (۳) نیز آن را تأیید کرده‌اند.

اما لهجه‌ی گورانی، شرفنامه به این لهجه نیز به عنوان لهجه‌ای از لهجه‌های زبان کردی تأکید دارد. ادموندز، دکتر توفیق وهبی (۴) و دکتر عزالدین مصطفی (۵) به این نکته صحنه می‌گذارند.

اختلاف لهجه‌های زبان کردی نمی‌تواند بهانه‌ای برای مخدوش نمودن اصالت و استقلال زبان کردی، به عنوان زبانی که مختصات ویژه خود را دارد، باشد. (۶)

۲۱ - بدلیسی، شرفمان، شرفنامه، ترجمه محمد علی عون، ج ۱، قاهره ۱۹۵۸ ص ۱۲ و ترجمه کردی آن بغداد، ۱۹۷۳، ص ۲۹

22 - Nikitine, Basile, Kurdis h stories from my

Collection, B.S.O.S., 1926-1928 Vol, IV. P.212

۲۳ - رسول. عزالدین مصطفی، زمانی نه‌ده بی به کگرتووی کوردی، بغداد، ۱۹۷۱، ص ۱۹.

24 - wahby. Taukig, C.J. Edmonds. Opcit, P. V

۲۵ - رسول عزالدین مصطفی، همان منبع پیشین، ص ۲۳.

۲۶ - گوناگونی لهجه‌های زبان کردی مشکلی نیست که ویژه زبان کردی باشد بلکه زبان‌های عمده جهان لهجه‌های متعدد دارند مثلاً لهجه‌های زبان عربی در تمام گستره ممالک عرب نشین دارای این حالت هستند و می‌توان دهها لهجه یافت. با وجود این زبان عربی مادامی که

نویسندگان، مورخان و زبان‌شناسان عادت کرده‌اند هنگامی که از زبان کردی سخن می‌گویند، آن را به لهجه‌های مختلف تقسیم کنند. در عین حال، آنان مرزبندی درستی در مورد لهجه‌های زبان کردی ارائه نکرده‌اند. ما برخی از دلایل این مسئله را که به لهجه‌های لری و گورانی مرتبط بود، بازگو کردیم<sup>(۱)</sup>.

با توجه به فراوانی لهجه‌های زبان کردی عده‌ای بر این باورند زبان کردی چیزی نیست جز یک لهجه محلی که از نقطه‌ای به نقطه دیگر متغیر است. نوئیل این گمان را

لهجه‌ای به نام عربی مطیع بر آن سیادت داشته باشد مشکلی نخواهد یافت و نیز اگر بخواهیم لهجه‌های عمومی عربی را در عراق بکاویم تعداد زیادی خواهیم یافت که بعضی‌ها با بعضی دیگر اختلاف دارند و این تباین‌ها امکان ندارد بهانه‌ای بر آن باشد که آن‌ها را به عنوان زبان مستقل بگیرند درباره لهجه‌های عمومی در عراق بنگرید به السامرای، ابراهیم، التوزیع اللغوی الجغرافی فی العراق، چاپخانه الجیلاوی، القا، ۱۹۶۸ صص ۹۳ - ۹۲ و صص ۱۱۹ - ۲۳۵ و نیز انیس ابراهیم، فی اللهجات العربیه، القا، ۱۹۵۲.

۲۷ - به عنوان مثال بنگرید به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، زکی، محمد امین، منبع پیش گفته، صص ۲۹۷ - ۳۲۷  
 فواد کمال، منبع پیش گفته، ص ۲۴  
 المائی، انور، الاکرد فی بهدینان، الموصل، ۱۹۶۰ صص ۲۲  
 خال، محمد، فه رهه نگی خال، سلیمانیه، ۱۹۶۰ صص ۲۲  
 رسول، عزالدین، منبع قبلی، صص ۱۹ و ۱۱ - ۲۵

Nikitine, Basile, opcit, p. 121

Wahby, Taufiq, C. J. Edmonds, op. cit, p. v

بعضی از نویسندگان نام بابانی را به لهجه‌ای اطلاق می‌کنند که در سلیمانیه برتری دارد برای آن‌که میان این لهجه و لهجه سورانی اربیل تفاوت قایل شوند ما در این مقاله اسم لهجه سورانی را به کار گرفتیم چون منسوب به شهر سلیمانیه است.

رد کرد، و چنین گفته است که لهجه جنوبی کردستان (بابانی) با لهجه‌ی شمالی اختلاف آشکاری دارد اما، درست نیست که گفته شود اختلاف میان این دو لهجه اختلاف جوهری است. عامل این اختلافات تغییر در صدای حروف نرم و طنین‌دار است. مانند تغییرات و دگرگونی در تلفظ کلمه "دایک" (=مادر) دای، دا، دی. این تغییرات آوایی ممکن است کسی را که گوشش به این واژه‌ها عادت نکرده است به اشتباه بيفکند و اختلافاتی را که غالباً در یکی از حروف به ویژه حروف جر و ظروف و بعضی کلمات دیگر صورت می‌گیرد به درستی درک نکند؛ کلماتی مثل نیستا (و در سلیمانیه‌ای) نه‌ها (در حکاری) و نه‌نگو یا (در غرب کردستان). و اختلافات دیگر مثل: نیستها، نه‌نیکه، نووکه و هنوسکه<sup>(۱)</sup> علی‌رغم وجود برخی اختلافات در بین لهجه‌های زبان محلی کردی ویژگی‌های جوهری زبان کردی در همه آن لهجه‌ها واضح و آشکار است.<sup>(۲)</sup>

لهجه‌های زبان کردی به چهار لهجه اصلی تقسیم می‌شود:

۱ - کرمانجی شمالی

۲ - کرمانجی جنوبی

۳ - گورانی

۴ - لری

هر کدام از این لهجه‌های اصلی مجموعه‌ای از لهجه‌های فرعی دارند که به گونه‌ای عام ویژگی‌های زبانی و صوتی شبیه به هم دارد. به استثناء برخی اختلافات جزئی،

28 - Noel.E.M, Diary of Magor E.M.Noel on special duty in Kurdistan, Basrah. 1919.P.9

29 - Edmonds.c.j, kurds.Turks.Arabs.op.cit.P.7

چه در کلمات و چه در تأثیرپذیری بر برخی لهجه‌های محلی از برخی لهجه‌هایی که در جوار هم هستند. لهجه‌های محلی کردی را در جدول زیر می‌توان ملاحظه نمود.

### زبان کردی و لهجه‌های آن

لهجه‌های اصلی	لهجه‌های محلی (متفرعات)
کرمانجی شمالی	بایزیدی، حکاری، بوتانی، شم‌دینانی، لهجه‌ی غربی، مهدینانی
کرمانجی جنوبی	مکری، سورانی، اردلانی، سلیمانی، گرمیانی
گورانی	گورانی اصلی، اورامانی، باجلانی، زازایی
لری	فیلی، ماسانی، کهکیلویی، بختیاری، لکی، کلهری

### دلایل تعدد لهجه‌های زبان کردی:

عواملی که سبب تعدد لهجه‌های زبان کردی شده زیاد است ولی، دو عامل نقش اصلی و اساسی در اختلاف لهجه‌های این زبان دارد:

۱ - عامل جغرافیایی :

محیط طبیعی کردستان، کوه‌های سر به فلک کشیده، راه‌های دشوار، آب و هوای سرد به ویژه در فصل زمستان تأثیر بزرگی در گوشه گیر کردن قبایل کرد از هم داشته است. به ویژه در دوران باستان و اعصار میانی، یعنی همان زمان‌هایی که به شکل قابل ملاحظه‌ای وسایل ارتباط فکری و فرهنگی و آمیزش‌های اقوام کند و کم بود. دوری اقوام از هم و نیامیختن آن‌ها با هم سبب ظهور اختلافات زبانی شد و هر منطقه جدای از منطقه دیگر لهجه خاص خود را به کار می‌گرفت. به دیگر سخن، عامل عزلت جغرافیایی تأثیر عمیقی در ایجاد تعدد لهجه‌های این زبان داشته است.

۲ - عامل سیاسی :  
 از آنجایی که کردستان هیچ‌گاه از یک وحدت سیاسی برخوردار نبوده تا تمام مناطق و اقلیم‌های آن را در برگیرد لذا، مردمان آن هیچ‌گاه صاحب یک میراث ادبی و عمومی مشترک نبوده‌اند به‌رغم ظهور برخی دولت‌ها و حکومت‌های مستقل یا نیمه مستقل به ویژه در دوره اسلامی هیچ‌گاه زمینه برای تطور یک پارچه زبان کردی ایجاد نشد بلکه اختلاف و قطب قطب شدن لهجه‌های این زبان بیش‌تر نیز شد و این اختلاف و تباین به سبب ویژگی‌های اقلیمی بود که هر کدام از حکومت‌های محلی داشتند این حکومت‌ها غالباً لهجه‌های محلی خود را مورد تقویت و تشویق قرار می‌دادند.

لازم به ذکر است که مرزهای زبانی دقیق و واقعی که لهجه‌های اصلی و دیگر لهجه‌های محلی کردی را از هم جدا کند، وجود ندارد بلکه همه این لهجه‌ها با هم آمیخته شده‌اند و با هم تداخل و تمازج پیدا کرده‌اند؛ چرا که انتقال از لهجه‌ای به لهجه‌ی دیگر به شکل تدریجی و به مرور انجام می‌شود و این گونه نیست که انتقال لهجه‌ای به لهجه دیگر به صورت آنی روی دهد یا به گونه‌ای که انسان بتواند بلافاصله مرز زبانی لهجه‌ها را از هم تشخیص دهد.

به عنوان مثال کسی که میان ساکنان منطقه گسترده شده از اربیل، شقلاوه، رواندوز، گلاله، حاج عمران، خانه (پیرانشهر)، نقده، میان‌دواب و مهاباد مسافرت کند ممکن نیست در زبانی فاصله میان دو لهجه سورانی و مگری که مرکز آن‌ها به ترتیب در اربیل و مهاباد قرار دارد، حس کند، و همین مسئله تقریباً از انتقال از لهجه‌ی کرمانجی شمالی به کرمانجی جنوبی ممکن است. نیکیتین ملاحظه کرده است برخی ویژگی‌ها وجود دارد که ممکن است انسان را بر این عقیده وا دارد که لهجه شم‌دینان یک لهجه‌ی خاص کرمانجی شمالی نیست، بلکه این لهجه نمایانگر مرحله به لهجه



کرمانجی جنوبی است چون، حرف "ز" و "له" در آن مورد استفاده قرار نمی‌گیرد<sup>(۱)</sup> با وجود این، ما به شکل عمومی و طبق معلومات موجودی که اکنون در دست داریم می‌توانیم نشانه‌های اصلی و اساسی برای هر کدام از لهجه‌های اصلی در ضمن یک اقلیم جغرافیایی معین، مشخص سازیم. اقلیم جغرافیایی معینی که ویژگی‌ها و مشخصه‌های آن به طور غالب در آنجا وجود دارد.

نقشه لهجه‌های زبان کردی:

زبان کردی و لهجه‌های آن به طور گسترده در بخش‌های جنوبی و جنوب شرقی ترکیه، بخش‌های شمالی سوریه، قسمت‌های شمالی و شمال عراق، غرب ایران، به جز خوزستان، شده است. به این ترتیب، این زبان در اقلیم گسترده‌ای از جنوب غرب آسیا گسترده شده و قسمت شمال آن تا نینکان (ارمنستان)، فارس، ارز روم، ارزنجان، سیواس و مرعش امتداد دارد. از طرف جنوب غربی از عفرین، جبل الاکرد - مرزهای ترکیه و سوریه - رودخانه دجله، شرق طلال حمزین، مندلی، بدره، کوه‌های پشت‌کوه، شمال شهر دزفول تا مرزهای شمال شرقی خلیج فارس گسترده شده است. از طرف شرق به شرق رودخانه ارس، ماکو، خوی، سواحل غربی و جنوبی دریاچه ارومیه، کوه سمند (شمال مراغه) و از آنجا تا روستاها و قصبات احمدآباد، مصیرآباد، بیجار، اسدآباد (غرب همدان)، کاریز، علی چاودر، دهکرد (شهرکرد) گسترده شده و از طرف جنوب تا حصار بندر دیلم در زاویه شمال شرقی خلیج فارس کشیده شده است. زبان کردی با این امتداد گسترده از تأثیرات زبانی زبان‌های مجاور، از همه طرف در امان

نمانده است. این زبان در مناطق اطراف به شکل بسیار واضحی با زبان‌های مجاور خود آمیخته شده و این زبان‌ها با زبان کردی تداخل داشته‌اند، مانند زبان ترکی در شمال، زبان عربی در غرب، فارسی در شرق و جنوب شرقی و ارمنی و ترکمنی در شمال شرقی. اما، در مناطق مرکزی زبان کردی و لهجه‌های آن از خلوص آشکاری برخوردار است؛ به این دلیل که در این مناطق از تأثیرات زبانی همسایگان دور بوده است.

مراد ما از تداخل زبان‌ها در اینجا این است که از هم مرزهای لغوی که زبان کردی و دیگر زبان‌ها را از هم جدا می‌کند، وجود ندارد. در واقع، می‌توان گفت مرزهای زبانی در اینجا همچون مرزهای سیاسی نیست که به طور مشخص دولت‌ها را از هم جدا می‌سازد بلکه، مناطقی که تداخل زبانی در آن انجام گرفته منطقی هستند که دو زبان مجاور هم در هم آمیخته شده‌اند و از اینجا است که گذشتن از این مرحله انتقال یکی از زبانی به زبان دیگر است. مانند آمیزش زبان‌ها در شهرهای حاشیه‌ای.

از نظر پراکندگی جغرافیایی لهجه‌های اصلی زبان کردی، لهجه کرمانجی شمالی در شمال کردستان انتشار دارد. لهجه کرمانجی جنوبی در وسط این منطقه است و لری در جنوب قرار دارد. اما، لهجه گورانی در سرزمین کوچکی که میان لهجه کرمانجی و لری است در دورترین قسمت‌های شمالی قرار گرفته است. می‌توان در زیر به صورت دقیق این پراکندگی جغرافیایی را ملاحظه کرد.

#### ۱ - لهجه‌ی کرمانجی شمالی

انتشار این لهجه به گونه ایست که بر دیگر لهجه‌های کردی برتری داشته و گسترش بیش‌تری نیز دارد:

استان‌های بایزید (کارکوسه)، وان، جلمرک، سعرت، موش، ماردین، دیاربکر، خربوط، ادیابان، غازیان تپه و قسمت شرقی از استان مرعش و سیواس، قسمت

جنوب شرقی ارزروم، قارص. و همچنین کردان سوریه در سرحدات شمالی، موازی با مرزهای ترکیه، کردهای کشورهای مشترک المنافع در جنوب غرب ارمنستان، کردهای استان دهوک و منطقه زیوار از استان اربیل عراق.

مرز زبانی جنوبی که این لهجه را از لهجه کرمانجی جنوبی جدا می‌کند خط فرضی است که از ساحل غربی دریاچه ارومیه امتداد دارد و به سوی جنوب غربی رفته تا شمال شهر اشنویه و از کیله‌شین (در مرزهای عراق و ایران) می‌گذرد و نیز از کوه هلگرد عبور می‌کند.

این خط تقریباً به شکل موازی، شمال رودخانه رواندوز را نیز طی می‌کند تا این‌که به زاب بزرگ می‌رسد تا مسیر شمالی زاب را به شکل موازی طی کند و به مصب رود دجله برسد. (۱)

با توجه به انتشار گسترده این لهجه برخی لهجه‌های محلی از آن منشعب می‌شوند که بسیار اندک با هم تفاوت دارند. این لهجه فرعی به ترتیب زیر می‌باشد.

۱ - بایزیدی : در شمال و شمال شرق دریاچه وان

۲ - حکاری : جنوب و جنوب غرب دریاچه وان

۳ - بوتانی : حوالی صحرای بوتان، سعرت و ارتوش، جزیره، دیاربکر (آمد)

۴ - شمدنیانی : در گوشه جنوب شرق ترکیه، شرق زاب و مناطق همسایه‌ی آن در

ایران

۵ - لهجه‌ی غربی : در خربوط، اروفه، عفرین و مرعش

۱- این مرزبندی تقریباً شبیه مرزبندی آدموندز است بنگرید به :

۶ - بهدنیانی : در استان دهوک و شهرستان زیبار از استان اربیل در عراق

لهجه‌ی کرمانجی جنوبی :

این لهجه از خط فاصل میان لهجه‌ی شمالی تا رودخانه سیروان و خانقین در جنوب انتشار یافته است و از شرق تلال حمزین و از غرب از شرق تلال حمزین تا کوه سه‌سهند، مصیرآباد، بیجار و اسدآباد گسترده شده است. این لهجه به چهار لهجه محلی تقسیم می‌شود :

۱ - مگری در شنو، نقده، مهاباد، میان‌دواب، مراغه، سقز، بوکان، سردشت و مرکز این لهجه شهر مهاباد است.

۲ - سورانی : در استان اربیل (به جز شهرستان زیبار) و مرکز آن شهر اربیل است.

۳ - اردلانی : در سنندج، بیجار، بانه، شرق سرچشمه‌های زاب، شمال منطقه جوانرود، و مرکز آن شهرستان سنندج است.

۴ - سلیمانی : در استان سلیمانیه و کرکوک و بعضی مناطق شهرستان خانقین و این لهجه در مناطق غربی آن مقداری یا دیگر مناطق متفاوت است که بر آن اسم لهجه گرمیان اطلاق می‌شود (در کفری - قره‌تپه و کرکوک)

لهجه گورانی :

این لهجه در منطقه شمالی راه مواصلاتی میان دو شهر قصر شیرین و کرمانشاه در

جنوب تا کوه‌های اورامان در شمال گسترده شده است. و در غرب نیز از

سرچشمه‌های رودخانه سیروان در غرب تا کرمانشاه در شرق امتداد دارد. گورانی‌ها

در این سرزمین‌ها یک اتحاد قبیله‌ای تشکیل داده‌اند و به یک لهجه واحد سخن

می‌گویند که نام لهجه گورانی بر آن نهاده شده است. قبایل اورامان، ریجاب

(ریژآب) و کندوله - در نزدیکی کرمانشاه - و شاخه‌های اصلی عشایر سنجابی و

گوران و باجلان با این لهجه سخن می‌گویند.<sup>(۱)</sup> این لهجه - چهار شاخه تقسیم می‌شود:<sup>(۲)</sup> ۱ - گورانی اصلی

۲ - هورامانی (اورامانی)

۳ - باجلانی

۴ - زازابی

ساکنان منطقه کرد، زهاب و جوانرود با لهجه گورانی اصلی سخن می‌گویند. بعضی کاکایی‌های طاووق و بعضی از قبایل زنگنه در نزدیکی کفری نیز با این لهجه تکلم می‌کنند.<sup>(۳)</sup>

لهجه اورامانی لهجه ایست بسیار لطیف و تأثیرگذار<sup>(۴)</sup> که ساکنان کوه‌های اورامان و پاره و پالنگان و حوالی آن به آن لهجه سخن سر می‌دهند. اورامانی‌ها به دو شاخه (گروه) تقسیم می‌شوند: لهون که در غرب سلسله کوه‌های اورامان در عراق ساکنند<sup>(۵)</sup> و تخت که در شرق این سلسله کوه‌ها در ایران سکنی گزیده‌اند.

32 - Soane.E.B., Shart Anthology..., op.cit, P.59

همچنین:

Napier, G.S.F. The Road From Baghdad to Baku, Geog Jour Vol, LIII.,

No.1, 1919, PP.869

33 - Minorsky.v., op.cit, P.88

34 - Edmonds.C.J, op.cit, P.10

۴ - زکی، محمدامین، همان منبع، ص ۳۲۴

۵ - در سرشماری عمومی سال ۱۹۵۷ آمده که تعداد ۵۰۰۰ نفر از اورامی‌ها در ۲۸ روستای اطراف حلبچه و روستاهای مهم آن سکونت دارند و تعدادی از آنها به قرار زیر است ته‌ویله، بیاره، خرپانی، ازیرون، بنگرید به وزارت داخلی، مدیریت ثبت احوال شهری، راهنمایی سرشماری عمومی سال ۱۹۵۶، چاپ شرکت دارالجمهوریه،

باجلانی و آن لهجه ایست پراکنده که برخی از ساکنان شرق موصل و زهاب و شمال کردستان برخی از مردمان نزدیک خانقین<sup>(۱)</sup>، قوره‌تو، هورین، شیخان(از منطقه مبدان) با آن سخن می‌گویند. علی‌رغم پراکندگی مناطقی که با این لهجه سخن می‌گویند، باجلانی لهجه‌ای که آن‌ها بدان سخن می‌گویند در همه مناطق شبیه به هم است. ولی، با توجه به آمیزش باجلانی‌ها با کرمانجی‌های جنوبی به نحو بارزی تحت تأثیر لهجه اخیر قرار گرفته است.

لهجه زازایی، و آن لهجه ایست فرعی از لهجه‌های گورانی. چیز شگفت در مورد این لهجه منطقه و جایگاه رواج آن است. این لهجه در میان اقلیم لهجه گورانی یافت نمی‌شود بلکه در منطقه‌ای قرار دارد در شمال منطقه لهجه گورانی و بسیار نیز دوردست است. می‌توانیم منطقه رواج لهجه را در جایی محصور میان ارزروم، موش، خربوط، و ارزنجان معین کنیم به دیگر سخن، این لهجه در میان دو رودخانه مرادصو و فرات صو تا نقطه التقاء این دو رودخانه در جنوب کوه‌های مشیرداغ متمرکز گشته است، یعنی در منطقه درسیم.<sup>(۲)</sup>

آن‌چنان که سون تأکید دارد. لهجه‌ی گورانی یک زبان زنده نیست<sup>(۳)</sup> شاید عاملی که او را به این اعتقاد وا داشته تعداد کم گویشوران به این لهجه است در نسبت با سایر لهجه‌ها و نیز کمبود نوشته‌ها به این لهجه. به عبارت دیگر این لهجه به لحاظ میراث ادبی فقیر است. تنها عصر طلایی که این لهجه داشته شکوفایی بود که به دست

۱۹۶۵، ص ۳۶۶

۱- در سرشماری ۱۹۵۷ آمده که ۲۵۷ نفر از باجلانی‌ها در منطقه بابلاوی و منطقه علی‌باد (علی‌ئاوا) در خانقین سکونت دارند. راهنمای سرشماری سال ۱۹۶۵، همان منبع پیش گفته، ص ۳۹۶

حاکمان اردلانی در این لهجه پدید آمد<sup>(۱)</sup> این حاکمان در دربار خود شاعران و ادیبان را تشویق می‌کردند و شعرا و ادبا نیز با این لهجه شعر می‌گفتند و می‌نوشتند<sup>(۲)</sup> ولی بعد از فروپاشی اردلانیان به دست قاجارها این لهجه نیز راه سقوط در پیش گ<sup>(۳)</sup> رفت. لازم به ذکر است که حاکمان نخستین بابانی نیز شاعران این لهجه را مورد تشویق خود قرار داده بودند.<sup>(۴)</sup>

لهجه‌ی لری  
لری لهجه ایست گسترده در طول منطقه‌ای امتداد یافته از راه مواصلاتی میان خانقین و کرمانشاه در شمال تا اطراف شمال شرق خلیج فارس در جنوب از خط طولی ۵۱ درجه شرقی تا دامنه غربی کوه‌های پشت کوه در غرب می‌توان این لهجه را به شاخه‌های زیر تقسیم کرد:

۱ - فیلی ۲ - ماسانی ۳ - کهگیلویه ۴ - بختیاری<sup>(۵)</sup> ۵ - لکی<sup>(۶)</sup>

۱- بنگرید به: زکی، محمدامت، تاریخ الدول و الامارات الكردیه، تعریب محمد علی عونی، قاهره، چاپخانه سعاده، ۱۹۴۸، و نیز زکی، محمدامین، همان منبع پیشین

41 - Edmonds, C.J., Op.Cit, P. 10

ص ۳۳۰

42 - Soane, E.B., Op.Cit, P. 53

43 - Edmonds, C.J., Op.Cit, P. 10

۵- عشایر بختیاری جزیبی از عشایر لر هستند و ایشان در منطقه‌ای وسیع در جنوب غرب ایران در منطقه‌ای در طول جغرافیایی ۴۸/۵ درجه و ۵۱ درجه شرقی، منتهی به دشت خوزستان در جنوب تا سلسله چارمل - فریدون - درخوانسار در شمال سکنی گزیده‌اند در مورد این قوم بنگرید به:

Wilson, Arnold. The Bakhtiaris, j.R.C.A.S, 1926, Vol.

XIII, Part 111, PP. 205-223

## ۶ - کلهری (۷)

لهجه‌های اول و دوم و سوم از سه لهجه دیگر گسترده‌اند که در سرزمین‌های پشت کوه و پیش کوه و سرچشمه‌های رودخانه دز و وادی سیماره و سرزمین بالاگریوه و جنوب خرم‌آباد و در مندلی پراکنده شده‌اند.

لهجه بختیاری در اقلیم بختیاری در جنوب شرقی کردستان سروری می‌کند لکی و کلهری در شمال لرستان قرار دارد لکی به سوی شرق و کلهری به غرب لرستان متمایل است.

خاتمه : در پایان لازم است تأکید کنیم زبان جزء جدانشدنی تمدن است. زبان چونان تمدن در حال تغییر و تطور است و این تغییر و تطور در نتیجه‌ی انباشته شدن تجربه‌های قومی است که آن را به وجود می‌آورد. شاید فرزندان یک ملت در اشکال

Edmonds, C.j., The Place of kurds..., Op.Cit, P.153

۶- لکها، کردهای اصیل اند و از اقسام لرهای بزرگ به شمار می‌روند. در سرشماری عمومی ۱۹۵۷ آمده که ۱۵۰ نفر از ایشان در قریه برده سپی (سنگ سفید) در ناحیه طق در منطقه وسیع حدود ۱۰ کیلومتر مربع می‌زنید، درباره ایشان در مورد سرشماری عمومی سال ۱۹۶۵ بنگرید به منبع پیش گفته ص ۳۷۹

۷- اعتقاد بر آن است که در اول کلهرها در منطقه زها و سکنی داشتند. سر.اچ.راوینسون (Sir H. Rowlinson) بیان کرده است که سلطان مراد چهارم کلهرها را از زها و تبعید کرد و سرزمینشان را به باجلانی‌هایی که از موصل آورده بود داد بنگرید به :

Minorsky, V., Op.Cit, P.58

در سرشماری عمومی سال ۱۹۵۷ آمده که ۲۰۰۰ نفر از ایشان در منطقه دجیله و آبادی حسن بک و شکرالی در اطراف حلبچه در منطقه‌ای به وسعت ۵ کیلومتر مربع سکونت داشتند راهنمای سرشماری عمومی سال ۱۹۶۵، ص ۳۶۵



زبانی که به کار می‌گیرند اختلاف آشکاری داشته باشند. اما در عین حال باید گفت تا زمانی که آنان بر این امر اعتقاد دارند که به یک زبان سخن می‌گویند فرزندان یک زبان مادری خواهند بود بالطبع، این مسئله متضمن یک وحدت است در تاریخ احساسات، تقالید و اخلاق ادبی و از ویژگی‌های اساسی زبان زنده تطور و دگرگونی زبان زنده تطور و دگرگونی است یک زبان زنده در طول زمان‌های مختلف ویژگی‌های دقیق آن از نظر جغرافیایی یعنی از جایی نسبت به جای دیگر، دگرگونی و اختلاف پیدا خواهد کرد. سوال مهمی که اینجا پیش می‌آید این است که اختلاف تا چه اندازه در یک زبان جایز است و چه هنگام اختلاف و شکاف میان لهجه‌ها به خلق دو زبان متفاوت می‌انجامد؟

پاسخ در همان تعریفی است که از "مردم" کردیم. ما در آنجا به دو عنصر باور و احساس تأکید کردیم و این مطلب یعنی گویشوران لهجه‌های گوناگون بر این باورند که به یک زبان سخن می‌گویند. در این حال، دیگر تأمل در مقدار اختلاف لهجه‌ها جایی ندارد و اختلاف فراوانی چیزی شگفت نیست.<sup>(۱)</sup>

این چنین ما می‌توانیم دریابیم چقدر شکاف و اختلاف میان لهجه‌های زبان کردی وجود دارد ولی این مسئله نمی‌تواند به پیکره زبانی آن آسیب برساند و یا لهجه‌ای از آن را گوشه نشین کند مادامی که ساکنان این مناطق که بدین لهجه‌ها سخن می‌گویند بر این باور باشند که زبان آن‌ها چیزی جز زبان کردی نیست، لاجرم کرد تلقی می‌شوند.

۱- حماش، دکتر خلیل ابراهیم، اللغة و الحضارة، مجله الاقلام، شماره ۶، سال دهم آذار ۱۹۷۵، ۴۸ - ۴۹